

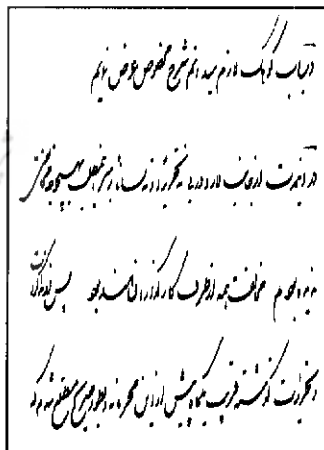
معرفی

# کتاب رسائل و مکاتبات میرزا ملکم خان ناظم الدوله و زندگی نامه او

\*  
مریم گنجی



میرزا ملکم خان ناظم الدوله در سال ۱۲۴۹ هـ. ق /  
۱۸۳۳ م در اصفهان متولد شد. پدر وی میرزا یعقوب،  
از آرامنه جلفای اصفهان بود که بعدها به اسلام روی  
آورد و مسلمان شد. (کرمانی، ۱۴۹) وی که مترجم  
سفارت روس بود، ملکم را در ده سالگی برای تحصیل  
به فرانسه فرستاد و او در مدرسهٔ ارمنیان پاریس دورهٔ  
پلی تکنیک را گذراند و در کنار آن به مطالعه اقتصاد و  
سیاست پرداخت. (اصیل)



ملکم خان پس از قتل امیرکبیر و در زمان صدارت  
میرزا آقا خان نوری به ایران بازگشت و هم‌زمان با مترجمی در وزارت امور خارجه در  
دارالفنون نیز درس داده و مترجمی معلمان اتریش را برعهده گرفت. (حسین‌پور)  
وی پس از ماجرای هرات، در مذاکرات صلح ایران و انگلستان در پاریس به همراه

\* کارشناس ارشد علوم سیاسی

هیئتی با سرپرستی میرزا فرخ خان امین الدوله غفاری شرکت نمود. وی پس از بازگشت به ایران و تأسیس فراموشخانه در راستای بهبود اوضاع داخلی کشور، رساله‌ای تحت عنوان «کتابچه غیبی» را برای آگاهی و متقاعد ساختن شاه به انجام اصلاحات نوشت و به دست میرزا جعفرخان مشیرالدوله به حضور شاه فرستاد. در این کتابچه نخستین طرح قانون اساسی مشتمل بر تفکیک قوای قانونگذاری و مجریه و چگونگی تدوین مجموعه قوانین شرعی و عرفی، سازمان حکومت و مجلس تنظیمات (قانونگذاری) و مجلس وزراء و سازمان هر وزارتخانه به‌طور جداگانه شرح داده شده است و نیز درباره بانک، چگونگی سرمایه‌گذاری، ضرب سکه، سازمان ارتش و تقسیمات کشوری مباحثی بیان شده است. انتشار کتابچه، تأسیس فراموشخانه، تحریکات مخالفان ملکم خان و در نهایت احساس خطر شاه، صدور فرمان انحلال فراموشخانه در ۱۲۷۸ هـ. ق و تبعید میرزا ملکم خان به بغداد را به دنبال داشت. (الگار، ۵۰) ملکم خان از بغداد به استانبول رفته و در روزنامه‌های آنجا با رویکرد انتقادآمیز نسبت به دولت ایران قلم زد. تا این‌که با تلاش‌های میرزا حسین خان سپهسالار (وزیر مختار ایران در عثمانی) ملکم در ۱۲۸۸ هـ. ق به ایران بازگشت و به انتصاب در مقام مشاور صدارت عظمی و دریافت لقب ناظم الملک و نشان تمثال همایونی درجه اول نائل گردید.

در ۱۲۹۰ هـ. ق ملکم به سمت وزیر مختاری ایران در لندن منصوب شد و در ۱۲۹۵ هـ. ق پس از ماجرای قرار داد رویتر به عنوان مأمور ایران جهت طرح مطالبات ایران در ناحیه قطور راهی برلین شد. پس از موفقیت در این مأموریت و در بازگشت به ایران به لقب ناظم‌الدوله ملقب شد. (رایین، ۳۲ و ۳۳).

پس از واگذاری امتیاز لاتاری به نمایندگی ملکم خان از جانب دولت ایران و گسترش مخالفت علما با این امتیاز ملکم از مناصب خود معزول گشته و کلیه القاب وی باز ستانده شد. پس از این جریانات ملکم خان اقدام به تأسیس روزنامه «قانون» نموده و در این روزنامه، ضمن خودداری از انتقاد صریح از شاه، امین السلطان را مورد حملات شدید خود قرار داد. پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و به تخت نشستن مظفردالدین شاه، روابط امین‌السلطان که بار دیگر به صدارت منصوب گردیده بود، با ملکم خان رو به بهبود گذاشت و ملکم به سفارت ایران در رم اعزام شده و به نشر قانون پایان داد. (سال

۱۸۹۹ م).

ناظم الدوله هم‌زمان با نشر روزنامه قانون به تشکیل "مجمع آدمیت" اقدام کرد، این مجمع در سال ۱۸۹۶ و هم‌زمان با تاج‌گذاری مظفرالدین شاه منحل شده و جای خود را به جامع آدمیت داد.

سرانجام وی در سال ۱۹۰۸ م (۱۳۶۶ هـ. ش) در سن ۷۷ سالگی در سونیس درگذشت و طبق گفته اسماعیل رایین، بنا به وصیت خودش، جسد وی سوزانده شد و خاکسترش را برای تسلیم به وراثت در کوزه‌ای ریختند. (رایین، ۱۶۷)

### رسائل و مکاتبات ملکم خان (ناظم الملک)

کتاب رسائل و مکاتبات ملکم خان (ناظم الملک) که به صورت عکس نسخه خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است در ۳ مجله شامل تعدادی متن نامه، تلگراف و ترجمه به قلم میرزا ملکم خان ناظم الدوله (۱۲۹۴-۱۲۹۲) می‌باشد.

جلد اول این کتاب مشتمل است بر متن ۲۰ نامه و ۸۰ تلگراف، جلد دوم حاوی ۱۹ متن نامه و ۲ ترجمه نامه و در نهایت جلد سوم شامل ۱۷ متن نامه، ۱۵ تلگراف و ۴ ترجمه نامه است.

همان‌طور که گفته شد مجموعه مورد بحث که در زمان تصدی سفارت ایران در لندن توسط ناظم الدوله نوشته شده حاوی ۵۶ متن نامه که اغلب خطاب به وزیر امور خارجه وقت ایران نوشته شده در ۳ نامه دیگر خطاب به معین الملک است. در قسمت ترجمه، نامه‌هایی از لرد دربی و کرچاکف آورده شده است.

این نامه‌ها که در زمان جنگ‌های روسیه و عثمانی و دوران تشتت داخلی عثمانی نوشته شده، حاوی گزارش‌هایی از روند تحولات بین‌المللی (منطقه عثمانی) و نقش دولت انگلستان در این حوادث است.

میرزا ملکم خان که به عنوان نماینده رسمی دولت ایران در لندن حضور دارد، از یک سو اخبار جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه و نقش دول بزرگ را در این جریانات به اولیای دولت ایران منتقل کرده و گزارش تلاش‌های خود را جهت تحصیل منافع ایران در جریان این تحولات و مسائل روز دیگر به سمع مسئولین ذی‌ربط می‌رساند و از سوی دیگر با ارائه گزارش‌هایی از اوضاع دولت عثمانی به تحلیل مبانی چگونگی شکل‌گیری

این بحران می‌پردازد.

ملکم خان با ارائه گزارش‌های پی‌گیر و مستمر درباره جنگ عثمانی در تلاش است چهره کاملی از جهت‌گیری‌های بین‌المللی و نقش دول خارجی را در این جنگ برای دولت‌مردان ایران ترسیم نماید. او در این راستا به تبیین منافع دول بزرگ از مداخله در جنگ عثمانی می‌پردازد.

او با پی‌گیری تغییر و تحولات این جبهه‌گیری‌ها و تلاش در فهم روابط و علل آن سعی می‌کند با ارائه شمه‌ کاملی از این جریان‌ات دولت‌مردان ایرانی را از روابط قدرت حاکم بر صحنه بین‌المللی و به ویژه منطقه پر تنش که ایران در آن قرار دارد آگاه نماید و برای هوشیار کردن دولت ایران به بررسی مشکلات داخلی و عقب ماندگی‌های دولت عثمانی که از نظر وی عامل مهمی در درگیری عثمانی در این جنگ می‌باشد، می‌پردازد. در جریان اغتشاشات داخلی عثمانی و درگیری‌های صرب‌ها با این دولت، روسیه با توجه به منافع خود در منطقه نهایتاً وارد جنگ شد. دولت انگلستان که به عنوان یک مهره اصلی در صحنه بین‌المللی حضور داشت. با توجه به منافع خود نقش عثمانی به عنوان پایگاه دولت انگلیس در شرق و عدم تمایل انگلیس به گسترش نفوذ روسیه در این منطقه و حمایت‌های مالی انگلیس از عثمانی در این جریان‌ات، علی‌رغم دو دستگی‌های پارلمان و افکار عمومی انگلستان در مورد حمایت از عثمانی، تمایل به حفظ عثمانی و آرامش منطقه داشت.

چنان‌چه از نظر ملکم خان دولت انگلیس مصلحتش این است که عثمانی را حفظ کند ولی وزرا در انگلیس نظرات متفاوتی در این باره دارند مسأله مهم این است که اگر دولت روس در شرق زیاده روی کند، انگلیس بی‌کار نمی‌نشیند و مداخله می‌کند. (ملکم خان، رسائل، جلد دوم، پاکت ششم، نمره اول).

از نظر ملکم خان یکی از دلایل عمده تلاش دول خارجی به ویژه انگلستان در بقای عثمانی تأمین منافع اقتصادی ایشان در منطقه حاضر می‌باشد. اهمیت بقای عثمانی به دلیل وام‌های پرداخت شده به این کشور است. «اما اولیای دولت ایران چنان تدبیرها به کار برده‌اند که اگر خدای ناخواسته خطری از برای ایران روی دهد در تمام فرنگستان یک نفر وزیر یا یک نفر تاجر یا یک نفر روزنامه‌چی نیست که در بقای ایران به قدر یک دینار

شراکتی داشته باشد. اعظم و سرآمد خبط‌های دنیوی این است که یک دولتی وجود و عدم خود را از برای دنیا علی‌السویه ساخته باشد. در این چند سال به واسطه حسن بعضی اتفاقات دولت علیه نمی‌توانست وجود خود را از برای دنیا چنان لازم بسازد که امروز ۱۱۰ میلیون از خلق فرنگستان شریک بقای ایران و سینه زن مصلحت ما باشند ... اولیای دولت علیه طوری حرکت کردند که گویا همت واحد ایشان این بوده که روابط زندگی ایران را از جمیع دنیا طوری مقطوع نمایند که در هیچ موقع از برای ذکر اسم ایران دیگر هیچ احتیاجی باقی نماند.» (ملکم، همان، جلد دوم، پاکت ششم، نمره ۱).

مسئله اساسی و کلیدی مورد تأکید ملکم دانستن عقب‌ماندگی و «جهالت دولت‌مردان عثمانی در دوری از ترقیات این دوران» (ملکم، همان، جلد دوم، پاکت دهم، نمره ۱) به عنوان علت اغتشاشات و درگیری عثمانی در جنگ است.

وی با اشاره‌ای ظریف به اوضاع داخلی ایران، علت اصلی مشکلات عثمانی را در دور نگهداشتن سلطان عثمانی از واقعیات سیاسی داخلی، اوضاع بین‌المللی و رفتار فریب‌آمیز و متملقانه وزرا و مشاوران وی دانسته و اذعان می‌دارد که وزرای سلطان عثمانی وی را چهل سال از سواد و معاشرت و مراوده دور نگه داشته و سپس گفتند: «حالا باید این دولت معظم را که در هر گوشه آن ده خطر مهلک هست نظم بدهی و از برای تقویت آن بیچاره تدبیری که پیدا کردند این بود که هر ساعت بروند در پیش او به خاک سجده بیفتند و بگویند نظر شما کیمیا است. آن‌چه به خاطر شما می‌رسد الهام الهی است، شما سایه خدائید. شما عقل کل و دانای مطلق هستید. این نوع حرف‌ها بدیهی است که به گوش هر کس سه روز تکرار بکنند، باید حقیقتاً عقل کل و وجود خارق عادت باشد که خود را به کلی گم نکند. هرگاه سلطان بیچاره یک نفر آدم می‌داشت که او را گاهی ملتفت به حقایق اوضاع می‌کرد قطعاً کارش به این جا نمی‌کشید.» (ملکم، همان، جلد دوم، پاکت ششم، نمره ۳).

برخی از نامه‌های رسائل و مکاتبات که در بردارنده گزارش مذاکرات ملکم با لرد دربی انگلیسی (وزیر امور خارجه انگلستان) در باب اختلافات مرزی ایران با عثمانی یا درگیری‌ها در منطقه هرات و کلات است، نشان دهنده توجه و تأکید بسیار دولت‌مردان ایران به نظر و موافقت انگلستان است. در این نامه‌ها ملکم با تلاش بسیار برای آگاهی از آرای انگلیس

و ایجاد هم‌سویی بین منافع ایران و انگلیس، نقش تعیین‌کننده منافع و جهت‌گیری‌های این کشور را در جریان‌ات منطقه و توازن نیروها بررسی می‌کند که این مسأله با تأکید ناظم‌الدوله بر تغییر ناپذیر بودن مرزهای ایران به ویژه در کلات همراه است.

وی با اعتقاد به این مسئله که منطقه بی‌طرف را نمی‌توان به تعریف درآورد، لازم می‌داند ایران منطقه کلات را خاک بی‌طرف و مستقل بین ایران و هند تعیین نماید. چنان‌چه وی به وزیر خارجه انگلیس می‌گوید: بلوچستان جزء ایران است و شورش‌های داخلی که منجر به انفکاک می‌گردد مهم نیست چرا که باز هم بلوچستان متعلق به ایران است و هیچ قراردادی مبنی بر نقض این قضیه وجود ندارد. دولت ایران کلات را به خواست انگلیس خاک بی‌طرف و مستقل بین ایران و هند در نظر گرفته است و اگر انگلیس در کلات مداخله کند، ایران هم توافق را نقض می‌کند. (ملکم، همان، جلد دوم، پاکت پنجم، نمره ۲).

یکی از مسائلی که ناظم‌الملک در رسائل خود به کرات و تفصیل به آن پرداخته علل عقب‌ماندگی ایران و تأکید بر پیوستن به موج تحولات اقتصادی - مالی و صنعتی بین‌المللی است. وی با اشاره به شواهدی نظیر وضعیت دولت عثمانی، ضعف حضور ایران در عرصه بین‌المللی و نابسامانی اوضاع داخلی را در بی‌اعتنایی و ناآگاهی از تحولات بین‌المللی می‌داند. چنان‌چه در جلد اول رسائل در پذیرش تنظیمات دول بزرگ از سوی عثمانی و اجازه نظارت بر اجرای تنظیمات از سوی این دولت می‌نویسد:

«یقین دارم که علمای ما می‌گویند دولت عثمانی خود را خراب کرد. به علت این‌که خواست راه‌آهن و بانک بسازد، این حرف باز سال‌ها خیالات دولت علیه را عقب خواهد انداخت. دولت عثمانی خراب می‌شود، دلیل این نیست که چرا راه‌آهن و بانک ساخت، دلیلش این است که این قبیل کارها را چرا زودتر و بیشتر نکرد.» (ملکم، همان، جلد اول، پاکت دوم، نمره ۳).

در این راستا از جمله موارد بارز تحولات و پیشرفت‌هایی که ملکم بر آن تأکید بسیار دارد، ایجاد راه‌آهن و تأسیس بانک می‌باشد. به طوری‌که در یکی از نامه‌ها در تأیید و پذیرش آمدن مأمور روس به ایران برای ایجاد خط راه‌آهن و بستن قرارداد این امتیاز می‌نویسد:

«راه‌آهن علاوه بر این ملاحظات خارجه از برای خود ایران لازمه حیات شده است به طوری که راه‌آهن را به هر شرط و به هر ضرر که متصور باشد باز باید قبول کرد.» (ملکم، همان، جلد اول، پاکت یازدهم، نمره ۵).

یا در جای دیگر در زمینه لزوم تأسیس بانک تأکید می‌کند که:

«حالا باز به هزار زبان عجز عرض می‌کنم که بانک را بلا تأمل بسازید، زیرا که بدون بانک نه راه‌آهن خواهید داشت، نه تجارت، نه مالیات، نه پولتیک و نه حق شکایت. باز هم عرض می‌کنم حرف بنده این نیست که بانک را به توسط من بسازید، به توسط هر کس، به مشورت هر دولت که می‌خواهید بسازید، هیچ از من مشورت نفرمائید و بنده را هیچ مداخله ندهید، اما هر طور هست بسازید.» (ملکم، همان، جلد اول، پاکت یازدهم، نمره ۶).

و باز در مورد لزوم استقرار از دول خارجی در شرایط بحران مالی کشور و با تأکید بر لزوم وجود بانک جهت استقراض و استفاده بهینه از وام مذکور اذعان می‌دارد:

«هرگاه در ایران چند دستگاه بانک برپا شود رسوم تحویل‌داری و طرز محاسبات و آن چهل قسم فنون مالیه که فرنگی‌ها تازه اختراع کرده‌اند والان به منزله تز و چرخه حیات ملل خارجه واقع شده‌اند همه این رسوم و فنون تازه را اهل ایران از سرمشق بانک در دو سه ماه یاد می‌گیرند و آن وقت می‌فهمند که ۲۰۰ کرور را از فرنگستان چه‌طور می‌توان گرفت، چه‌طور می‌توان به کار برد و چه‌طور می‌توان ادا کرد. بدون بانک جمیع این مطالب در نظر اهل ایران تا ابد مجهول خواهد ماند ... بدون تنظیم اسباب مالیه در هیچ صورت قادر به هیچ کاری نخواهید بود.» (ملکم، همان، جلد دوم، پاکت دهم، نمره ۱).

ملکم خان با آگاهی از نظام پادشاهی ایران و فعال ما پیشاء بودن شاه به دلیل عدم وجود نهادهای تفکیک شده قانون‌گذاری - اجرایی در نامه‌های خود اظهار می‌دارد که اصلاحات در امور داخلی ایران باید از جانب شاه و دولت‌مردان صورت بگیرد. با تأکید بسیار بر این که اولین گام در جهت اصلاحات، آگاهی و اذعان به ناتوانی‌ها و تمایل به استفاده از توانمندی‌های متخصصین است، می‌نویسد:

«وزرای فرنگستان هوش و ذهن خود را با وسعت علوم دنیا مشته نمی‌کنند، هر علمی را که در مدرسه تحصیل نکرده‌اند، بدون خجالت می‌گویند این علوم را نخوانده‌ایم

و به حکم این اعتراف حکیمانه همیشه تحقیق مسائل عمده را رجوع به اصحاب علوم مخصوص می‌نمایند. برخلاف این رسم فرنگستان در ایران تحقیق جمیع مسائل را منحصرأ رجوع به هوش و ذهن شخصی خود می‌کنیم. در هر کار هوش و سلیقه شخصی خود را حکم مطلق قرار می‌دهیم. علم و تحقیق از برای ما هیچ است.» (ملکم، همان، جلد سوم، پاکت سوم، نمره ۷).

در راستای ضرورت انجام اصلاحات در نامه‌اش به معین‌الملک مواردی را به عنوان مهمترین مسائل قابل توجه و اعتنا در زمینه اصلاحات پیشنهاد می‌نماید:

- استخدام معلم، مهندس، صاحب نظر.

- ایجاد راه‌آهن، بانک‌های تجاری و مالی بانک‌های زراعت.

- بکار اندازی معادن، آب‌ها و جنگل‌ها.

- تنظیم دیوان‌خانه‌های تجاری.

- ایجاد شرایط تقسیم و تحصیل مالیات.

- توقیف گمرکات داخلی.

- اداره خالصه‌جات.

- نظم و اتاق سکه پولی ایران.

### ایجاد پلیس

- اعزام دانشجو به خارج. (ملکم، همان، جلد سوم، پاکت سوم، نمره ۷).

در جلد دوم رسائل، میرزا ملکم در نامه‌ای با تأکید بر ظرفیت‌های فراوان اسلام، انجام اصلاحات را منافی مبانی و اصول اسلام نمی‌داند و تأکید دارد که علما و مجتهدین اسلام با درک صحیح از اصلاحات (راه‌آهن، تلگراف و ...) این امور را در تقابل با اسلام نخواهند دانست.

«... جواب دیگر اولیای دولت این است که می‌گویند خلق ایران مسلمان هستند و تمکین نخواهند کرد که ما این اصول جدید را اخذ نمائیم. این حرف را هرگاه بشکافیم می‌بینیم لغو تر از این مضمونی نمی‌توان اختراع کرد. در اصول ترقی کدام نکته‌ای است که مخالف شریعت اسلام باشد. اسلام یعنی ترقی دنیا، اسلام یعنی آسایش خلق، هر ترقی که در دنیا هست همه مطابق اسلام است. از رسوم عوام خارجه آنچه بلاحرف خلاف اسلام



است همه را در ایران جاری کرده‌ایم و آن تدابیر پاک که محرک ترقی دنیا و از هر جهت مطابق اسلام و بلکه حاصل اسلام است آن‌ها را نفهمیده محض پوشاندن عدم علم خود، منافی اسلام و مکروه خلق خود قلم داده‌ایم. کلام احمقی است که بتواند بگوید وضع تلغراف و ترتیب چارپارخانه خلاف شرع اسلام است، چه کفری بالاتر از این که کسی بگوید اهل ایران باید از نعمات راه‌آهن محروم بمانند زیرا که علمای اسلام و خلق ایران منکر این نوع ترقیات هستند. مثل آفتاب روشن است که علمای اسلام و خلق ایران بیش از همه کس آرزومند راه‌آهن بوده و خواهند بود. مجتهدین ما بلااستثناء و بلا تأمل الان فتوا خواهند داد که احداث راه‌آهن و نظم ضراب‌خانه و تسهیل شرایط تجارت و جمیع آن تدابیر بلکه در اطراف به جهت آبادی مملکت به کار برده‌اند از جمله واجبات ذمی دولت است.» (ملکم، همان، جلد دوم، پاکت هشتم، نمره ۱). ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی